

استقبال در شعر فارسی و اهمیت شعر بابافغانی از نظر استقبال

اثر: دکتر منوچهر اکبری

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

و سیدخلیل قافله باشی

(از ص ۱۲۵ تا ۱۴۱)

چکیده:

با توجه به اهمیتی که استقبال از نظر کمی و کیفی دارد بر آن شدیم تا به اختصار این موضوع را در شعر فارسی بررسی کنیم. پس از اشاره به معانی لغوی استقبال با نگاهی گذرا به تعریف اهمیت و تقسیمات به بیان لوازم و عوامل آن پرداخته‌ایم. سبک شناسی در قوالب شعر را نیز در نظر داشته‌ایم. سپس به شعر یکی از غزلسرایان خوب و معروف فارسی، بابافغانی شیرازی (۹۲۵ ه.ق) نظر انداخته‌ایم، بدان سبب که غزل‌هایش بیش از دیگران مورد توجه و استقبال واقع شده است.

واژه‌های کلیدی: استقبال، بابافغانی و استقبال، نمودار انحراف استقبال در سبک هندی، استقبال و سبک شناسی، استقبال و قالب‌های شعری.

مقدمه :

بی تردید هر صاحب‌دل ذوقمداری که به تورق دیوانهای شعر فارسی بپردازد و حتی با فاصله چند روزه، دو دیوان شعر متفاوت را از دو دوره مختلف مرور کند به رگه‌هایی از مشابهت و اقتباس و استقبال لفظی و معنایی شاعران از یکدیگر پی می‌برد، حتی اگر فاصله زمانی و شرایط تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن دو شاعر نیز صدها سال باشد.

معانی لغوی استقبال:

استقبال؛ پیشوایی نمودن و بمعنی مقابله کردن ماه و آفتاب در شب چهاردهم و در این وقت ماه تمام و کامل باشد. (غیاث اللغات، اثر محمد جلال الدین، غیاث الدین رامپوری، به تصحیح محمد دبیر سیاقی، کانون معرفت، ۱۳۷۷).

استقبال: پیش آمدن، ضد استدبار، روی آوردن، روی آوردن به، به پیشواز رفتن، پذیره شدن، طلب اقبال کردن، آینده، مقابل حال و ماضی، نزد منجّمان مقابله آفتاب و ماه، به طرف قبله متوجه بودن (لغت نامه دهخدا با تلخیص)

تعریف استقبال:

استقبال و پیروی تقلید از اثر گذشتگانست. به عبارت دیگر نگاه یا نیم‌نگاهی است به گذشته و پشت سر؛ در حقیقت استقبال به پیشواز اسلاف رفتن است. ممکن است شاعری به استقبال شعری از شاعران زمان خود برود ولی این هم تعریف ما را مخدوش نمی‌سازد، زیرا از اثری که به استقبال رفته حتماً بعد از اثر استقبال شده سروده شده است.

اهمیت استقبال :

طرح موضوعی استقبال ممکن است خوشایند طبع جمعی واقع نشود و با شنیدن آن تقلید و کهنگی تداعی شود ولی به دو علت اهمیت استقبال مبرهن می‌گردد.

۱- به جرأت می‌توان گفت حداقل یک سوم شعر فارسی را همین استقبالها تشکیل می‌دهد و این خود کمال اهمیت را داراست.

۲- به علت وجود استقبال یک سلسله اشعار زیبا و دل انگیز در ادب فارسی راه پیدا کرده و برغنای کیفی آن افزوده است (البته همه استقبالها قابل تقدیر نیستند).

تقسیمات استقبال:

استقبال می‌تواند به عام و خاص تقسیم شود.

استقبال عام که بیشتر معنایی و محتوایی است شامل مباحثی از قبیل اقتباس تضمین و مسمط تضمینی، ترجمه، درج، تلمیح، ارسال مثل، حل و عقد است. مباحثی نظیر توارد و سرقات ادبی هم چندان از بحث استقبال عام دور نیست. حتی مباحث نقد گونه‌ای هم که بعضی از فضلا و ادبای قدیم در ضمن کتب خود می‌آورده‌اند می‌توانیم از مطالب حاشیه‌ای استقبال عام بدانیم برای مثال نظامی عروضی سمرقندی آنجا که سخن در چگونگی شاعر و شعرا دارد چنین گفته است: «اما شاعر بدین درجه نرسد الا که در عنفوان شباب و در روزگار جوانی بیست هزار بیت از اشعار متقدمان یادگیرد و ده هزار کلمه از آثار متاخران پیش چشم کند و پیوسته دو اوین استادان همی خواند و یاد همی گیرد... (چهارمقاله، نظامی عروضی سمرقندی، به تصحیح محمد قزوینی، چاپ زوار، ص ۴۷، ۱۳۳۳)

محمد بن علی بن سلیمان الراوندی در کتاب راحة الصدور و آیه السرور از قول

احمد بن منوچهر شصت کله سخن سید اشرف را چنین نقل کرده است:

(از اشعار متاخران چون عمادی و انوری و سید اشرف و ابوالفرج رونی و امثال عرب و اشعار تازی و حکم شاهنامه آنچه طبع تو بدان میل کند قدر دویت بیت از هر جا اختیار کن و یادگیر و بر خواندن شاهنامه مواظبت نمای تا شعر بغایت رسد و از شعر سنایی و عنصری و معزی و رودکی اجتناب کن هرگز نشنوی و نخوانی که آن طبع های بلندست طبع تو ببندد و از مقصود باز دارد... (راحة الصدور و آية السرور، به تصحیح

محمد اقبال، چاپ کتابفروسی تایید اصفهان و مؤسسه امیرکبیر، ص ۵۷ و ۵۸، ۱۳۳۳)

در باب اقتباس و تضمین و تلمیح و ... به کتب بدیعی بخصوص حدائق السحر فی دقائق الشعر از رشیدالدین و طواط المعجم فی معاییر اشعار العجم از شمس قیس رازی رجوع شود.

شمس قیس سرقات شعر را به طور مفصل شرح داده است (ص ۴۶۴ المعجم) از کتب متاخر فنون بلاغت و صناعات ادبی از جلال الدین همایی (فنون بلاغت و صناعت ادبی، نشر هما، چاپ دهم، ص ۳۵۷ به بعد، ۱۳۷۳) و در قلمرو بلاغت از دکتر محمد علوی مقدم (در قلمرو بلاغت، انتشارات آستان قدس رضوی، ص ۷۵۳ و ...، ۱۳۷۲) و روش گفتار (علم البلاغه) از زین الدین زاهدی و انوار البلاغه از محمد هادی صلاح مازندرانی (انوار البلاغه، محمد هادی مازندرانی، به تصحیح محمد علی غلامی نژاد، مرکز فرهنگی نشر قبله، ص ۳۸۳ تا ۳۹۲، ۱۳۷۶) مباحث قابل توجهی در این موارد دارند. همچنین در کتابهای سبک خراسانی در شعر فارسی از دکتر محمد جعفر محجوب (سبک خراسانی در شعر فارسی، انتشارات فردوسی و حسابی، ص ۱۰۸ تا ۱۳۳ و ص ۵۲۱ تا ۵۵۰) و تاریخ ادبیات در ایران از دکتر ذبیح الله صفا (تاریخ ادبیات در ایران، تمام مجلدات خاصه جلد چهارم و پنجم) و سیری در شعر فارسی و نقد ادبی دکتر عبدالحسین زرین کوب و درباره ادبیات و نقد ادبی از دکتر خسرو فرشیدورد (درباره ادبیات و نقد ادبی، انتشارات امیرکبیر، ص ۶۸۵ و ۸۰۸، ۱۳۶۳) و موسیقی شعر دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی (انتشارات آگاه، چاپ اول، ۱۳۶۸) و کاروان هند (احمد گلچین معانی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۹) کم و بیش از استقبال و اصطلاحات مربوط به آن

سخن بمیان کشیده شده است.

استقبال خاص که بیشتر شکلی و صوری است با اصطلاحات دیگری همچون اقتفاء، اقتداء، تتبع، جواب گویی و نظیره گویی تقریباً معادلست و با طرح اقتراح هم مناسبت و موافقت دارد. (رجوع شود به فرهنگ اشعار صائب، احمد گلچین، ج ۱، ص ۴۸۲)

استقبال خاص در یک نگاه کلی، پیروی شاعر بعدی از اشعار قبلی است با رعایت وزن و قافیه و ردیف یکسان در قصیده یا غزل یا دیگر از اقسام شعر.

استاد جلال الدین همائی استقبال را چنین تعریف کرده است (استقبال آنست که گفته یکی از اساتید سخن را سرمشق قرار بدهند و به همان وزن و قافیه شعر بسازند.) (فنون بلاغت و صناعات ادبی، نشر هما، چاپ دهم، ص ۴۰۳، ۱۳۷۳)

تعریف استقبال در کتاب روش گفتار چنین آمده است:

(استقبال آن است که در وزن و قافیه شاعر غزل یا قصیده دیگری را پیروی کند.)

(روش گفتار، زاهدی زین الدین، چاپخانه دانشگاه مشهد، ۱۳۴۶)

لوازم اصلی و فرعی استقبال :

الف: لوازم اصلی

- ۱- قالب یکسان البته در مورد قالب یکسان استثنا وجود دارد. بعضی از شاعران غزلسرا به استقبال قصاید معروف قصیده سرایان بزرگ به صورت غزل رفته اند.
- ۲- بحر و وزن یکسان. ۳- قافیه یکسان. ۴- ردیف یکسان.

ب- لوازم فرعی :

- ۱- موضوع واحد ۲- مطلب واحد ۳- مضمون واحد ۴- رعایت بعضی صنایع

بدیعی مثل تجنیس و اعنات.

تقسیمات استقبال خاص:

بطور کلی می‌توان استقبال خاص را چه در غزل و چه در قصیده و چه اقسام دیگر شعر دو قسم دانست.

تقسیم کمی:

۱- اشعاری که تعداد محدودی استقبال بدنبال دارد.

۲- اشعاری که استقبالیهای متعدّد در پی دارد.

استقبال از نظر دیگر هم قابل تقسیم است (تقسیم کیفی):

۱- اشعاری که استقبال در آنها کم رنگ است (استقبال کم رنگ)

۲- اشعاری که استقبال در آنها پر رنگ است (استقبال پر رنگ)

در استقبالیهای پررنگ ممکن است نام‌گوینده پیشین در شعر پسین بیاید یا اینکه

نام وی برده نشود.

وجود استقبال کم رنگ به دو علت می‌تواند وابسته باشد:

۱- در وجود استقبال دو شعر از هم شک و تردید داشته باشیم.

۲- شباهت تنها به سبب همسان بودن وزن و قافیه در اوزان و قوافی متداول و

معمولی باشد که در این صورت خصوصاً در سبکهای مختلف وجود استقبال بسیار

کم رنگ است. در استقبال‌های پررنگ اغلب یک سلسله اشعار تقریباً همسان از نظر

شکل اما با معانی و مطالب و اغراض نه چندان یکسان و یکنواخت و شاید مختلف

و متنوع برای دل بردن از عاشقان شعر فارسی از درون دیوانها چهره می‌گشاید.

عوامل و بواعث استقبال

می‌توان برای استقبال عوامل زیر را متصور شد که البته ممکن است یکی از این

موارد یا چند مورد در شعر استقبالی نقش داشته باشد:

- ۱- محظوظ شدن (لذت بردن از شعر ممتاز پیشین)
- ۲- تفنن و سرگرمی
- ۳- اظهار فضل و خودنمایی
- ۴- حسدورزی (این عامل بیشتر جنبه روانشناسانه دارد)
- ۵- درخواست ممدوحی یا بزرگی یا دوستی
- ۶- جواب دوستی شاعر (شعر جوابیه) یا اخوانیات.
- ۷- ذمّ و بدگویی (بیشتر از آن شاعرانی است که در دوره سبکی خاص و مشابه قرار دارند)
- ۸- هم سبک بودن
- ۹- تجدید سبک و بازگشت

استقبال و سبک شناسی:

استقبال و شناخت آن کمک شایانی به سبک شناسی می‌کند و از استقبال‌هایی که شعرا از یکدیگر داشته‌اند آسانتر به سبک شعرشان پی می‌بریم و در می‌یابیم که شاعر چه طریقی را بیشتر پسندیده و دنباله روی از چه شاعرانی و یا چه روش‌هایی را مطمح نظر خود قرار داده است.

از طرف دیگر سبک‌های مختلف نتوانسته است از استقبال جلوگیری کند. در بسیاری مواقع شاعران در زمان‌های مختلف با سبک‌های متفاوت اشعار همسانی از نظر وزن و قافیه و ردیف و قالب سروده‌اند.

گاهی هم وزن و قافیه و ردیف یکسان است تنها سبک متفاوت است که وجه تمایز بین دو یا چند شعر واقع می‌شود و احیاناً استقبال را کم رنگ می‌سازد.

ذکر این نکته خالی از فایده نیست که گاهی روح سخن شاعری را شاعری دیگر پیروی می‌کند اگر چه وزن و قافیه راهم تغییر بدهد باز نوعی استقبال معنایی یا مضمونی بوجود می‌آید (در حقیقت روح سخن شاعر به صورت تجسم یافته‌تر و محدودترش همان سبک و طرز شعر شاعر است).

استقبال در قالب‌های شعر:

از قالب‌های شعر قصیده و غزل از نظر استقبال اهمّیت بیشتری دارند قالبهای دیگر یعنی مسمط، ترکیب بند، ترجیع بند، قطعه، مثنوی، رباعی و دو بیتی هم از نظر استقبال قابل بررسی هستند. مثلاً مسمطات منوچهری مخصوصاً مسمط معروف خزائیه وی (خیزید و خزارید که هنگام خزانست...) و منظومه‌های خمسه نظامی و ترجیع بند عاشقانه و بسیار مشهور سعدی با بیت برگردان:

بنشینم و صبر پیش گیرم دنباله کار خویش گیرم

بارها مورد استقبال و عنایت واقع شده‌اند.

از شاعران قصیده‌سرا بیشترین استقبالها در شعر فارسی از قصاید سنایی، انوری، خاقانی، ظهیر، فرخی، عنصری و منوچهری و کمال الدین اصفهانی صورت گرفته است سپس بی تردید باید از رودکی، مسعد سعد سلمان، ناصر خسرو، ابوالفرج رونی، امیر معزی، مختاری غزنوی، ادیب صابر، حسن غزنوی، اثیرالدین اخسیکتی، جمال الدین اصفهانی و نظامی نام برد.

در باب غزل هم می‌توان گفت شاعرانی که استقبال از غزل‌هایشان مشهودتر

است عبارتند از:

در درجه اول: سعدی، حافظ، فغانی و امیر خسرو.

در درجه دوم: مولوی، عطار، عراقی، اوحدی، جامی، حسن دهلوی، خواجو،

سلمان، عماد فقیه، نظیری، ظهوری، فیضی، طالب، صائب، کلیم و شفایی.

در درجه سوم: خاقانی، سنایی، کمال الدین اصفهانی و نظامی...
به اختصار و به عنوان نمونه از بابا فغانی شیرازی و تأثیر او بر دیگران سخن می‌گوییم.

بابا فغانی شیرازی (متوفی ۹۲۵ ه.ق) از شاعران معروف اوایل قرن دهم است که رقت شعر و نازکدلی‌های سخنش شهرت چشمگیر پیدا کرده است. شاید اگر این شاعر توانا و دلسوخته نبود سبک هندی نیز به مایه و پایه بوجود نمی‌آمد و ما امروز از نعمت وجود شاعرانی چون عرفی، نظیری، ظهوری، مسیح کاشانی، طالب، صائب و غالب محروم بودیم. او خواسته و ناخواسته تحولی در غزل ایجاد کرد (بعد از حافظ، شعرای غزلسرا به تقلید از گذشتگان غالباً غزل‌های بیروح می‌گفتند).

به استناد استقبال‌های فراوانی که از غزل‌های خاصه در سه قرن دهم و یازدهم شده، تحولی را که او در غزل، خود آگاه یا ناخودآگاه بنیان نهاده است، مسجّل می‌شود و شاید در بیش از نیمی از این استقبالها علاوه بر اقتدای صوری (وزن و قافیه و ردیف)، روح سبک فغانی هم محفوظ مانده است. اشاراتی هم که برخی از تذکره‌نویسان به اقتضای شعرا از فغانی داشته‌اند می‌تواند از جمله دلایلی باشد که شعر فغانی آشکارا مورد استقبال و تقلید واقع شده است. برای نمونه واله داغستانی در تذکره ریاض الشعرا ضمن تعریف و تمجید از شعری چنین گفته است: «بابای مغفور مجتهد فنّ تازه‌ای است که پیش از وی، احدی به آن روش شعر نگفته پایه سخنوری را به جایی رسانیده که عنق‌ای اندیشه پیرامون او نمی‌تواند پرید.» اکثر استادان زمان متبّع و مقلّد و شاگرد و خوشه چین طرز و روش اویند. راقم حروف تا دیوان فغانی را ندیدم و تعمّق در آن نمودم شعر نفهمیدم (تذکره ریاض الشعرا، نقل از تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵، ص ۵۲۹) و تاپی به روش او نبردم شعر نتوانستم گفت... اگر فی الجمله موزونی از ناموزون توانم فرق کرد به یمن فیض بابای مرحوم است. (تذکره ریاض الشعرا، نقل از تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۱، ص ۶۵۴)

علی ابراهیم خان خلیل در تذکره معروف صحف ابراهیم در این باره سخنانی دارد که از دقت و بصیرت خالی نیست: «ملا محتشم کاشانی و ملا نظیری نیشابوری و ملا عرفی شیرازی و ملا ضمیری اصفهانی و ملا وحشی بافقی و حکیم رکن مسیح کاشی که از اساتذۀ صاحب اقتدار و نامدار فنّ بلاغت و فصاحتند همه مقلد و متبّع اویند اگر چه هر کدام از این بلند سخنان، تصرّفی و اختراعی کاربند شده و طرز خاصی حرف زده‌اند اما در حقیقت جاده رفتاراینان مسلک باباافغانست» (تذکره صحف ابراهیم، نقل از تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵، ص ۵۲۸) علاوه بر تذکره نویسان شاعران بعد از فغانی هم کم و بیش نام او را در غزل خود آورده‌اند از جمله صائب (از آتشین دمان به فغانی کن اقتدا / صائب اگر تنع دیوان کس کنی. دیوان صائب، تصحیح محمد قهرمان، انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۶، ص ۳۳۶۸)

میرزا محسن تأثیر (بس که موزونی به بابای مسلم داردت / از مضامین خوش بابا فغانی خوشتری) غالب دهلوی (پرده‌ای چند به آهنگ نکیسابردا / غزلی چند به هنجار فغانی بشنو. دیوان غالب میرزا اسدالله خان، به تصحیح دکتر محمد حسن حائری، ناشر احیاء کتاب، ص ۳۳۱، ۱۳۷۷)

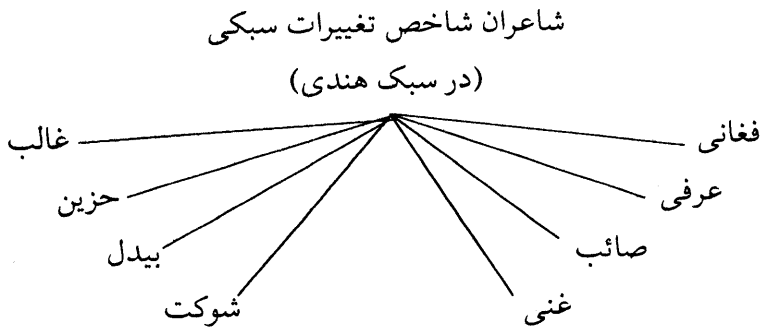
بابا فغانی شاید به سبب ذوق و دلسوختگی خاصی که داشت ردیف‌های تازه‌ای در غزل‌های خود آورد که قبل از او سابقه نداشت و شعرای معروف بعد از او هر کدام به نوبه خود به استقبال آنها رفته‌اند. بعضی غزل‌های مردّف او را اگر چه قبل از وی شاعران دیگری نیز گفته‌اند اما مشخص است که شعرای بعد از فغانی از او تقلید کرده‌اند نه از شاعران پیشین.

بد نیست از ردیف‌های بی سابقه یا کم سابقه فغانی که غالباً استقبال شده‌اند چند مورد بیاوریم:

«شود پیدا»، «پر شد دست»، «آتش است»، «ش نتوان یافت»، «کیست که داند»، «خوش نکرد»، «چه خیزد»، «نشستن که تواند»، «کجا شد»، «ندید کس»، «چراغ»،

«ست این»، «شود روزی» و «ست پنداری».

اگر فغانی را سر آغاز سبک هندی قرار دهیم، بهتر است او را رنگین‌ترین شاعر از نظر اختصاصات این سبک بشماریم. شیوه او در طول قرون پررنگ‌تر شده تا جایی که در قرن دوازدهم غلظت سبک هندی بقدری است که شاید شعر فغانی بیاد ما نیاید اما دیده ژرف بین در اینگونه اشعار هم هنوز رگه‌هایی از طرز بابا فغانی می‌بیند. نمودار انحرافات و تغییرات سبک هندی را با ذکر شاعران مؤثر در سبک بدین گونه می‌توان ترسیم نمود:



دیگر شاعران خوب و توانای سبک هندی در فواصل این تغییرات قرار می‌گیرند:

ثنایی، نظیری، شکیبی، ظهوری، فیضی، طالب، مسیح کاشانی، اسیر، زلالی، سلیم، کلیم، ناصر علی، دانش مشهدی، شفایی، سنجر، واعظ، قدسی، حسن بیک قزوینی، صامت اصفهانی، سالک، غنیمت و ...

در بین کسانی که از غزل‌های فغانی استقبال کرده‌اند شاعری مثل ضمیری اصفهانی را (متوفی ۹۷۳ ه.ق) سراغ داریم که گویا به استقبال تمام غزل‌های او رفته است.

برای نمونه غزل آتشین بابا فغانی را که بسیاری از غزلسرایان به استقبال آن

رفته‌اند و بدنبال آن مطلع غزل بعضی از شاعران استقبال کننده را می‌آوریم:

عاشقان را در سر شوریده سودا آتش است
در بدن خون نشرو در دل سوید آتش است
تن نخواهد خوابگاه گرم چون گرمست دل
گلخنی را زیر و پهلو فرش دیبا آتش است
می‌گدازم از حیایا تا تو می‌جویم مراد
در نهاد بیدلان عرض تمنا آتش است
خواب مستی کرده می‌سوزم ز آشوب خمار
چون نسوزم چون مرا در جمله اعضا آتش است
می‌مخور بسیار اگر چه ساقیت باشد خضر
کمانچه امشب آب حیوانست فردا آتش است
مرد صاحب‌دل رساند فیض در موت و حیات
شاخ گل چون خشک گردد وقت سرما آتش است
گر چنین خواهد کشید از دل فغانی آه گرم
تا نفس خواهد زدن گلهای صحرا آتش است
(دیوان بابا فغانی، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، شرکت نسبی اقبال شرکاء، ۱۳۴۰)

نظیری :

گر شررگر شعله هر جا گشت پیدا آتش است
چاره دل کن که با آتش مدارا آتش است
(دیوان نظیری نیشابوری، تصحیح مظاهر مصفا، امیرکبیر، زوار ۱۳۴۰)

عرفی:

جنگ آتش، آشتی آتش، مدارا آتش است

خوش سر و کاری از آن بدخو مرا با آتش است

(کلیات محمد عرفی شیرازی، به کوشش جواهری (وجدی)، کتابفروشی سنایی، بی تا)

ظهوری:

خشک چون نی استخوان و ماجرا با آتش است

کس نسوزانید از من پاک تر تا آتش است

(ظهوری ترشیزی، نورالدین محمد، دیوان، چاپ هند، ۱۸۹۷ م)

طالب:

خلق بگشاید مرا هر جا که گویا آتش است

موسی و قتم زبانم را سخن با آتش است

(طالب آملی، کلیات اشعار، تصحیح طاهری شهاب، انتشارات سنایی، بی تا)

شفایی:

بس که از داغ دل گرمم سراپا آتش است

در گمان افکنده عشقم کاین منم یا آتش است

(شفایی اصفهانی، شرف الدین حسن، تصحیح لطف علی صورتگر، انتشارات ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی، ۱۳۶۲)

سنجر:

در مقام شوق چون ایمن نه یک جا آتش است

ای کلیم اینجا به هر جا، می نهی پا آتش است

(دیوان سنجر، ص ۵۳)

فیاض:

چاره ما بیدلان در رفع سودا آتش است
آنچه آبی میزند بر آتش ما آتش است
(دیوان فیض، ص ۱۷۱)

صائب:

جان روشن را جهان در چشم بینا آتش است
شبنم بی تاب را گل در ته پا آتش است
(دیوان صائب، ج ۲، ص ۵۱۰)

مخفی:

ناز آتش، غمزه آتش، روی زیبا آتش است
بوالهوس بنشین که آن بدخو سراپا آتش است
(دیوان مخفی، ص ۶۲)

سالک:

آنکه مهرش کین و وصلش جنگ و ایما آتش است
در قبابی آل پنداری سراپا آتش است
(دیوان سالک، ص ۷۶)

بیدل:

دل به یاد پرتو حسنت سراپا آتش است
از حضور آفتاب آینه ما آتش است
(دیوان بیدل، ج ۱، ص ۲۶۰)

غالب:

سینه بگشادیم و خلقی دید کاینجا آتش است
بعد از این گویند آتش را که گویا آتش است
(دیوان غالب، ص ۱۳۲)

نتیجه:

اهمیت این موضوع بدان سبب است که می‌تواند ما را در شناخت ویژگی‌ها و رگه‌ها و بافت شعری هر دوره از تاریخ ادبیات فارسی آگاهی بخشد، همچنین به میزان تاثیر و تأثر شاعران در طول تاریخ پی می‌بریم. چه بسا به معیار و محکی علمی برای تعیین توان، مایه و قدرت خلاقیت و نوآوری و بدایع سازی شاعران دست یابیم. علاوه بر آن برخی سؤاستفاده‌ها و سرقات ادبی احتمالی را نیز می‌شناسیم. فضل تقدم شاعران در آفرینش آثار و اشعار نیز شناخته می‌شود. از این طریق می‌توان تحقیقی آماری و مستند از درصد و میزان استقبال از شاعران بزرگ ارائه داد. نکته دیگر روشن شدن انگیزه‌ها و فلسفه و علت استقبال است.

منابع و مأخذ:

- ۱- بابا فغانی، دیوان، به تصحیح احمد سهیلی خوانساری، شرکت نسبی حاج محمد اقبال شرکاء، ۱۳۴۰.
- ۲- بیدل دهلوی (عظیم آبادی)، عبدالقادر، دیوان، به تصحیح استاد خلیل الله خلیلی، جلد اول، نشر بین الملل، ۱۳۶۳.
- ۳- تأثیر تبریزی، محسن، دیوان، به تصحیح امین پاشا اجلالی، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۴- دهخدا، لغت نامه.
- ۵- رواندی، محمد، راحه الصدور و آیه السرور، به تصحیح محمد اقبال، کتابفروشی تایید اصفهان و موسسه امیرکبیر، تهران، ۱۳۳۳.

- ۶- رشید و طواط، حدائق السحر فی دقایق الشعر، به تصحیح عباس اقبال، انتشارات طهوری و سنایی، ۱۳۶۲.
- ۷- زاهدی زین الدین (جعفر)، روش گفتار (علم البلاغه)، چاپخانه دانشگاه مشهد، ۱۳۴۶.
- ۸- زرین کوب، عبدالحسین، نقد ادبی، چاپ چهارم، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۹.
- ۹- سالک قزوینی، محمد ابراهیم، دیوان، به تصحیح عبدالصمد حقیقت، به کوشش احمد کرمی، انتشارات ما، ۱۳۷۲.
- ۱۰- سنجر کاشانی، میر محمد هاشم، دیوان، به تصحیح دکتر لطف الله بنان، نشر اداره کل ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی، تبریز، ۱۳۶۲.
- ۱۱- شفایی اصفهانی، شرف الدین حسن، به تصحیح لطفعلی صورتگر، ناشر اداره کل ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی، ۱۳۶۲.
- ۱۲- شفیعی کدکنی، محمدرضا، موسیقی شعر، موسسه انتشارات آگاه، چاپ دوم، ۱۳۶۸.
- ۱۳- شمس قیس رازی، المعجم فی معاییر اشعار العجم، به تصحیح علامه قزوینی، کتابفروشی، تهران، بی تا.
- ۱۴- صائب تبریزی، میرزا محمد علی، دیوان، به تصحیح محمد قهرمان، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، دوره ۶ جلدی.
- ۱۵- صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، انتشارات فردوسی، پنج جلد چاپ شده در سالهای مختلف.
- ۱۶- طالب آملی، کلیات اشعار به تصحیح طاهری شهاب، انتشارات کتابخانه سنایی، بی تا.
- ۱۷- ظهوری ترشیزی، نورالدین محمد، دیوان (غزلیات)، چاپ هند، ۱۸۹۷ میلادی.
- ۱۸- عرفی شیرازی، جمال الدین محمد، کلیات، به کوشش جواهری (وجدی)، کتابفروشی سنایی، بی تا.
- ۱۹- علوی مقدم، محمد، در قلمرو بلاغت، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
- ۲۰- غالب دهلوی، میرزا اسدالله خان، دیوان به تصحیح محمد حسن حائری، احیاء کتاب، ۱۳۷۷.
- ۲۱- غیاث الدین رامپوری، محمد جلال الدین، غیاث اللغات، به تصحیح محمد دبیرسیاقی، کانون معرفت، ۱۳۳۷.
- ۲۲- فرشید ورد، خسرو، درباره ادبیات و نقد ادبی، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۳.

- ۲۳- گلچین معانی، احمد، تاریخ تذکره‌های فارسی، جلد اول، کتابخانه سنایی چاپ دوم، ۱۳۶۳.
- ۲۴- گلچین معانی، احمد، فرهنگ اشعار صائب، جلد اول، امیر کبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۳.
- ۲۵- گلچین معانی، احمد، کاروان هند، دو جلد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی مشهد، ۱۳۶۹.
- ۲۶- محبوب، محمد جعفر، سبک خراسانی در شعر فارسی، انتشارات فردوسی و جامی، بی تا.
- ۲۷- محمد هادی مازندرانی، انوارالبلاغه، به کوشش محمد علی غلامی نژاد، مرکز فرهنگی نشر قبله، ۱۳۷۶.
- ۲۸- نظامی عروضی سمرقندی، چهار مقاله، تصحیح محمد قزوینی، کتابفروشی زوار، ۱۳۳۳.
- ۲۹- نظیری نیشابوری، محمد حسین، دیوان، به تصحیح مظاهر مصفا، انتشارات امیر کبیر، زوار، ۱۳۴۰.
- ۳۰- همایی، جلال الدین، فنون بلاغت و صناعات ادبی، نشر هما، چاپ دهم، ۱۳۷۳.